

روشهای تربیتی از دیدگاه امام هادی علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8">

روشهای تربیتی از دیدگاه امام هادی (علیه السلام)

نویسنده: غلامرضا صالحی

اشاره بی تردید اگر بخواهیم شاهد یک تربیت صحیح و ایده آل و پربازده در جامعه اسلامی باشیم، می بایست از شیوه ها و روش های تربیتی مناسب که مطابق با موازین و راهکارهای عقلی و شرعی است، بهره جویی کنیم. بهترین و کلیدی ترین شیوه های تربیتی را می توان در اقوال و افعال شایسته حضرات پیشوایان معصوم (ع) پی جویی کرد؛ زیرا آنان به عنوان بالاترین و برترین مربیان تربیتی بشر به حساب می آیند و تمامی مکاتب تربیتی عالم، از مکتب انسان گرایی اگوست کنت و مکتب تجربه گرایی جان دیویی تا سایر مکاتب پوزیتیویستی و ...، چاره ای جز تسلیم و رهجویی از مکتب تربیتی اسلام و اهل بیت (ع) ندارند؛ چنان که قرآن کریم، همه را به پیروی کامل از آن بزرگواران فراخوانده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** [1]؛ "از خدا و رسول و صاحبان امر خود پیروی کنید".

در این نوشتار سعی شده است تا شیوه های زیبای تربیت از منظر دهمین امام معصوم (ع) با توجه به سخنان و رفتار آن بزرگوار، تبیین شود. قبل از هر چیز ناچاریم نگاهی اجمالی به تربیت و مفهوم روش تربیتی کنیم.

تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل و از ریشه ربو یا رب است که به معنای رشد و نمو و پرورش دادن و غذا دادن و مانند آن به کار می رود. تربیت در اصطلاح، همان رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه نیروها و استعداد های آدمی است و یا تربیت، ارائه نوعی زندگی است که با ساخت شخصیت انسان مطابق و مبتنی بر ارزش های معنوی باشد. [2] مرحوم مطهری تربیت را این گونه تعریف می کند:

"تربیت عبارت است از به فعلیت در آوردن استعداد های درونی که در شیء موجود می باشد". [3]

روش های تربیت

مراد از روش، راه و طریقه ای است که میان اصل و هدف قرار دارد و عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند. [4] خواجه نصیر الدین طوسی در روش تعلیم و تربیت چنین می گوید:

"اولاً، باید به طبیعت کودک پی برد و استعداد های او را کشف کرد و ثانیاً، از راه تکرار و تذکار متواتر، درس را ملکه او ساخت تا از آفت نسیان محفوظ بماند. هر گاه کودک از انجام وظایف دینی امتناع کرد و افعال قبیحه از او دیده شد و به دیگران زیان رساند، باید او را مؤاخذه کرد و بالأخره باید کودک را عادت به سختی داد". [5]

شیوه های تربیتی امام هادی (ع)

1. ایجاد زمینه مساعد تربیتی

تربیت فرایندی است که شامل مراحل قبل و بعد از تولد کودک می شود و از دیدگاه امام هادی (ع)، چنانچه زمینه

تربیتی مناسب فراهم شود، کودک سالمی متولد می‌شود که توان و استعدادهاي فراوان و مطلوبی خواهد داشت و ریشه آن در خانواده و پدر و مادر است. امام دهم(ع)، در خانه و محیطی چشم به جهان گشود که فضای آن آکنده از عطر دل انگیز دانش، معنویت، تقوا، اخلاص و بندگی خدا بود و هر لحظه و روزی که از زندگی او در دامن مادر پاکدامن و مهربان و مکتب سازنده و تربیتی پدر بزرگوارش، امام جواد(ع)، می‌گذشت، دریچه‌ای از دانش و معرفت و کمالات نفسانی بر رویش باز می‌شد و فضای خانه‌اش همیشه پر از نور و معنویت بود. احمد بن محمد بن عیسی به نقل از پدرش چنین می‌گوید:

"هنگامی که امام جواد(ع) قصد داشتند از مدینه به عراق بروند، امام هادی(ع) را در دامنشان قرار دادند و فرمودند: دوست داری کدام یک از سوغات‌های عراق را برای تو هدیه آورم؟ امام هادی(ع) فرمودند: شمشیری که به سان شعله آتش باشد (که کنایه از روحیه دل‌آوری و شجاعت است. سپس امام جواد(ع) خطاب به فرزند دیگرش موسی فرمود: تو چه سوغاتی دوست داری؟ گفت فرش اتاق. امام جواد فرمودند: ابوالحسن به من شباهت پیدا کرده است و موسی به مادرش شباهت دارد".[6]

این مطلب به خوبی نشانه آن است که خانواده به ویژه پدر و مادر زمینه‌سازي اولیه را برای تربیت صحیح بر عهده دارند. امام هادی(ع)، نقش مادر را در تربیت صحیح فرزند، بسیار مهم می‌دانند و یکی از زمینه‌های تربیت صحیح را، خانواده شایسته معرفی کنند؛ چنان که از علی بن مهزیار روایت شده است که آن حضرت در وصف مادر بزرگوارشان، چنین می‌فرمایند:

"روي محمد بن الفرج و علي بن مهزيار عن الهادي(ع): اِنَّهٗ قَالَ: اُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي وَ هِيَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ لَا يَفْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَّارِدٌ وَ لَا يَنْالُهَا كَيْدٌ جَبَّارٍ عَنِيدٌ وَ هِيَ مَكْلُوءَةٌ وَ بَعِيْنُ اللّٰهِ اَلَّتِي لَا تَنَامُ وَ لَا تَنَفَّلُ عَنْ اُمَمَاتِ الصّٰدِقِيْنَ وَ الصّٰلِحِيْنَ[7]؛ مادرم، به حق من عارف و اهل بهشت بود، شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شد و مکر ستمگر لجوج به او نمی‌رسید، در پناه چشم همیشه بیدار خدا بوده و در ردیف مادران انسان‌های صدیق و صالح قرار داشت".

2. داشتن الگو و سرمشق مناسب

از منظر امام هادی(ع)، وقتی کودک متولد می‌شود، استعداد فطری و آمادگی ذاتی برای یادگیری و تربیت را دارد و می‌بایست یک الگوی تربیتی صحیح را برای او ایجاد کرد تا از مشاهده رفتار آنان، به ویژه از والدین، الگو گیرد و از آنان تبعیت کند و اگر چنین الگویی فرا روی فرزند نباشد، مسلماً تربیت او دچار انحراف خواهد شد. امام هادی(ع) در مرحله اول، قرآن و اهل بیت(ع) را به عنوان بالاترین الگوی تربیتی معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

"... فَأَوَّلُ خَيْرٍ يَعْرِفُ تَحْقِيقَهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ تَصَدِيقَهُ وَ التَّمَسُّكِ شَهَادَتِهِ عَلَيْهِ خَيْرٌ وَرَدَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ(ص) وَ وَجَدَ بِمُوَافَقَةِ الْكِتَابِ وَ تَصَدِيقِهِ بَحِيثٌ لَا تَخَالَفُهُ أَقَاوِيلُهُمْ حَيْثُ قَالَ(ص): اِنِّي مُخْلِئٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي اهل بيتي لَنْ تَضَلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا وَ اِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ فَلَمَّا وَجَدْنَا شَوَاهِدَ هَذَا الْحَدِيثِ فِي كِتَابِ اللَّهِ نَصًّا مِثْلَ قَوْلِهِ جَلَّ وَ عَزَّ) اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا الَّذِيْنَ يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُوْنَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهُ وَ رَسُوْلَهُ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمْ الْغَالِبُوْنَ(8)؛ نخستین خبری که

حقانیت و صدق آن از قرآن به دست می‌آید و می‌توان کتاب خدا را بر آن گواه گرفت، حدیثی است که بر طبق کتاب خدا و پیامبر(ص) نقل شده است و اختلاف کلمه‌ای در آن نیست که فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت را که هر گاه به آن تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید و این دو هیچ

گاه از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، و ما چون شواهد صدق این حدیث را به صراحت در قرآن می‌یابیم که می‌فرماید: ولی و صاحب اختیار شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آوردند؛ همان کسانی که نماز را به پا می‌دارند و زکات را در حال رکوع می‌پردازند و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که به او ایمان آوردند (اهل بیت (ع) را ولی خود بگیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا پیروز و سعادت‌مند است".

امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره، ائمه معصوم را به عنوان بهترین سرمشق‌های انسان‌های هدایت‌جو می‌داند و چنین می‌فرماید:

"السلام علی ائمة الهدی و مصابیح الدجی و اعلام الثقی و ذوی النُّهی و اولی الحجی و کُفّ الوری و وَرثة الانبیاء و المثل الاعلی و الدَّعوة الحسني و حجج الله علی اهل الدنيا و الاخرة و الاولی...؛ [9] سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های ظلمت و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و پناه مردم و وارثان انبیا و نمونه و سرمشق برتر و دعوت‌کنندگان نیکو و محبت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و سرای نخستین".

امام هادی (ع) سرپیچی از الگوهای هدایت و نداشتن سرمشق جامع را موجب هلاکت و نابودی انسان معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

"من اتاکم نجی .. وَ مَنْ یأتِکمْ هَلْکٌ وَ ضَلَّ مَنْ فارقَکُمْ و فاز مَنْ تَمَسَّکَ بِکُمْ...؛ [10] هر کس به سوی شما اهل بیت (ع) بیاید، نجات می‌یابد، هر کس از شما دوری کند، هلاک می‌شود...، و هر کس از شما جدا شود به ضلالت سوق داده شود، هر کس به شیوه و راه شما تَمَسَّک جوید، به فلاح و رستگاری می‌رسد".

3. روش تمرین، تکرار و عادت دادن عملی

از شیوه‌های دیگر تربیتی امام هادی (ع) این بود که آن حضرت سعی می‌کرد افراد را به رفتار پسندیده، ایجاد نظم و انضباط در زندگی تسلط بر نفس عادت دهد و با اجرای برنامه‌های مستمر همراه با تمرین و تکرار، رفتارهای شایسته را به صورت ملکه در راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی افراد به منصف ظهور درآورد. به تعبیر دیگر، امام هادی (ع)، با تکرار کارهای شایسته همچون: نماز، روزه، صدقه، امر به معروف و نهی از منکر و...، قصد داشت چنین کردارهایی را جزء لاینفک زندگی افراد جامعه، قرار دهد؛ چنان که در مورد این شیوه تربیت آن حضرت چنین می‌خوانیم:

"عن علی بن ابراهیم عن یحیی بن عبدالرحمن بن خاقان قال رایث ابا الحسن الثالث (ع) سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّکر، فَأَفْتَرَشَ ذِرَاعیه فالصَّقَ جُؤْجُؤَهُ وَ بَطْنُهُ بالارض فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فقال (ع) کَذَا نُحِبُّ...؛ [11] یحیی بن عبدالرحمن می‌گوید: امام هادی (ع) را دیدم که سجده شکر انجام می‌داد و دو ساعد دست خود را پهن کرده و سینه و شکم خود را به زمین چسبانده بود. در این باره از او سؤال کردم، فرمود: این گونه دوست داریم".

امام هادی (ع)، برای تربیت صحیح، افراد را به تکرار و مداومت بر اعمال خوب تشویق می‌کردند؛ چنان که در روایتی چنین آمده است که:

"عن محمد بن ریان قال: کَتَبْتُ اِلَی ابا الحسن الثالث (ع)، اسأله اِنْ یَعْلِمَنی دَعاءً لِلشَّدَائِدِ والنَّوازلِ و المَهَمَّاتِ و قضاء حوائج الدُّنیا و الاخرة و اَنْ یُخَصَّنِی کما خَصَّ آباءَهُ موالیهِم . فَکَتَبَ اِلی الزم الاستغفار...؛ [12] محمد بن ریان می‌گوید: به امام هادی (ع) نامه نوشتم و از او خواستم که برای سختی‌ها و حوادث و حوایج مهم و برآوردن حاجات دنیا و آخرت، دعایی به من بیاموزد؛ همان گونه که پدران بزرگوار او به شیعیان خود می‌آموختند. امام در پاسخ نوشت: ملازم استغفار باش و بر آن مداومت کن".

یا در مورد تربیت عملی آن حضرت چنین آمده است که: "کافور خادم می‌گوید: امام هادی(ع) به من فرمود: فلان سطل را در فلان جا قرار بده تا با آن برای نماز وضو بگیرم و مرا از پی کاری فرستاد و فرمود: چون برگشتی این کار را انجام بده تا چون برای نماز برخاستم، آماده باشد، ولی من فراموش کردم. شب سردی بود، امام با ناراحتی مرا صدا زد، با خود گفتم: انالله، چگونه بگویم فراموش کردم... با ترس خدمت حضرت رسیدم، فرمودند: تو مگر عادت مرا نمی‌دانی که من جز با آب سرد وضو نمی‌گیرم؟ اما تو آب را برایم گرم کرده‌ای و در سطل ریخته‌ای. عرض کردم: سرورم! سوگند به خدا، نه سطل را آنجا گذاشتم و نه آب را. حضرت فرمودند: الحمدلله. سوگند به خدا، ما نه آسان‌گرفتنی را ترک کرده‌ایم و نه هدیه‌ای را پس داده‌ایم. سپاس خدا را که ما را از بندگان مطیع خود قرار داد و برای کمک به بندگان، توفیق عطا کرد...". [13]

4. روش موعظه و نصیحت

چون که انسان فراموشکار است و گاهی از نتیجه و حاصل کارها غافل می‌شود، باید با موعظه و نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، او را متذکر وظایف خود کرد و و به او هشدار داد که نتیجه عمل او چه خواهد شد و این یکی از شیوه‌های تربیتی امام هادی(ع) برای تربیت افراد بود. آن حضرت همیشه افراد جامعه را با بیان نورانی و الهی خویش موعظه و نصیحت می‌فرمود و آنان را متحوّل و متذکّر می‌ساخت؛ چنان که در روایت آمده است: "بریحه عباسی، پیشنماز دستگاه خلافت در مکه و مدینه، در حضور متوکل عباسی، از شخصیت امام هادی(ع) و خطر او در میان شیعیان به شدت انتقاد کرد و از خلیفه خواست که او را از مدینه تبعید سازند و همین گونه هم شد. هنگامی که امام هادی(ع) را از مدینه به سمت سامرا می‌بردند، بریحه با امام همراه بود و به حضرت چنین گفت: تو خود می‌دانی که عامل تبعید تو (به سامرا) من بودم. با سوگندهای محکم و استوار قسم می‌خورم که اگر شکایت مرا نزد امیرالمؤمنین یا یکی از درباریان و فرزندان او ببری، تمامی درختانت را (در مدینه) آتش می‌زنم و بردگان و خدمتکارانت را می‌کشم و چشمه‌های مزرعه‌های تو را کور خواهم کرد و بدان که این کارها را می‌کنم. امام هادی(ع) متوجه او شد و در مقام موعظه و نصیحت به او چنین فرمود: نزدیک‌ترین راه برای شکایت از تو این بود که دیشب شکایت تو را نزد خدا بردم و من شکایت تو را که بر خدا عرضه کردم، نزد بندگان نش نخواهم برد. بریحه چون این سخنان حکیمانه و موعظه‌آمیز امام را شنید، به دامن حضرت افتاد و با تضرع و انابه تقاضای بخشودن کرد. امام نیز در جواب فرمود تو را بخشیدم". [14]

پی‌نوشت‌ها:

- [1] . نساء / 59.
- [2] . ر.ک: مریدان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، ص 258.
- [3] . تعلیم و تربیت اسلامی، شهید مطهری، ص 33.
- [4] . اصول و روش‌های تربیت در اسلام، سید احمد احمدی، نشر جهاد دانشگاهی، ص 149.
- [5] . تاریخ فرهنگ ایران، عیسی صدیق، ص 139 و 166.
- [6] . بحار الانوار، ج 50، ص 123.
- [7] . دلائل الامامة، ص 410، ح 369.
- [8] . بحار الانوار، ج 50، ص 20.

[9] . مفاتيح الجنان، دعاي جامعة كبيره.

[10] . همان.

[11] . الاستبصار، ج1، ص347.

[12] . بحارالانوار، ج93، ص283.

[13] . همان، ج50، ص126، ح4.

[14] . ر.ك: اثبات الوصية، مسعودي، ص 196 و 197 و 454.

منبع: ماهنامه كوثر